

The Aphrodisiac-carrying Man



نویسنده : Yi Xiu Luo

مترجم : **FaFa**

سایت : **myanim.es.ir**

@myAnimes

خلاصه :

لینگ مو آر با مردی آشنا شد که مثل دارو های بهاری ، بو میداد.
این یه ناول هیولایی مدرن. تمامی هیولا ها قبل از پیدایش کشور ، تبدیل به روح شدند.
یه داستان کوتاه و بانمک و دوست داشتنی درمورد ، تاپی صبور و مهربان و باتمی مغرور و خود سر

ژانر : عاشقانه - یائویی - کمدی - اسمات

((امیدوارم از این ناول کوتاه 10 قسمتی لذت ببرید.))

قسمت 1.1

"مو آر ، مو آر؟"

دستیار تمام وقتش ، کی ل ، در اتاق رختکن رو باز کرد و با دیدن توپ خزی (منظورش گربه اس) که روی مبل لم داده و خوابیده بود شوکه شد. سریع در رو پشت سرش بست.

"خدای من ، چطوری میتونی فرمت (شکل ظاهری) رو اینجا عوض کنی؟ چی کار می کردی اگه آرایشگر یا یکی دیگه میومد و تو رو می دید؟"

گربه سیامی که خوابش بهم خورده بود ، با ناراحتی به بدنش کش و قوس داد و بعد درست جلوی کی ل به فرم انسانیش برگشت - به یه مرد جوان و دلربا با لباسی فریبنده تبدیل شد - وقتی که روی مبل لم داده بود با تنبلی و خستگی به بدنش کش و قوس داد.

خمیازه کشید و حرفش رو رد کرد : "به جز تو کیه که اینقدر راحت میاد اتاق؟"

"بازم خوب نیست ، اگه یه وقت توی فرم گربه ات ناخودآگاه صورتت رو بشوری و آرایش رو خراب کنی اون وقت چی؟"

کی ل ، لینگ مو آر رو که هنوز چشمش خواب آلود بود ، به بیرون اتاق حل داد.

"زودباش و برو. علاس قبلا اومده. همین الان همه منتظرت هستن."

لینگ مو آر قبل از اینکه عکاس رو ببینه ، ازش خیلی ناراضی بود . "اون فقط داره خود نمایی میکنه. من مجبور شدم اونقدر منتظرش باشم تا خوابم بیره ، اونوقت اون نمیتونه چند دقیقه منتظرم باشه؟"

"اون با عجله مستقیما بعد از فرود هواپیما اومده اینجا. تاخیر پرواز که دست اون نیس ، خوب؟ علاوه بر این استاد مو توی دنیای عکاسی خیلی شناخته شده اس. من ازت خواهش میکنم این ظاهر ((شما انسان های احمق)) رو نشون نده چون به راحتی باعث سوء تفاهم میشه!"

لینگ مو آر از گوشه چشمانش با بی احترامی بهش نگاه کرد و حرفش رو مسخره کرد.

کی ل کم مانده بود دیوانه بشه "دقیقا این همون چیزیه که دارم درموردش حرف میزنم ، خواهش میکنم پیش بگیر!"

لینگ مو آر با خشونت تقریبا توسط کی ل به سمت استدیو کشیده شد و درست وقتی که ادم ها اونجا بودند بلافاصله تغییر حالت داد. با قدم هایی جذاب و شمرده ، از جلوی بخش عظیمی از مردم گذشت و توانست با موفقیت در تمام مسیر نگاه های حیرت زده رو به خودش جلب بکنه.

فقط در این زمان بود که کی ل توانست نفس راحتی بکشه. لینگ مو آر استاندارهای بسیار سختگیرانه ای برای ظاهر عمومی خودش داشت ، بنابراین اینجا از معدود جاهایی بود که نیاز نبود کی ل نگران باشه.

هرچند که کی ل میدانست این به خاطر خودشیفتگی ذاتی لینگ مو آر هست که میخواد هر کجا که میره مورد توجه باشه ؛ نه به خاطر حرفه اش ؛ ولی قطعا این برای یک مدل حرفه ای یک مزیت بود.

مدیر پروژه تبلیغاتی ، بعد از اینکه لینگ مو آر رو با آرایش دید ، چشماش برق زد ، به خاطر اینکه فرد

مناسبتی رو انتخاب کرده بود مخفیانه خوش حال شد . آن 2 را به سمت عکاس برد و به هم دیگر معرفی شان کرد.

"لینگ مو آر ، مدل این سری برای تبلیغات عطر هستش. اینم استاد مو ، مسئول عکاسی . به علت مشکلات آب و هوایی ، پرواز استاد مو چن ساعت تاخیر داشت و بلافاصله بعد از فرود پروازش مستقیما به اینجا اومد. لطفا بهش سخت نگیرین."

"من عذر میخوام." مو مو (استاد مو) برای دست دادن پیشقدم شد "شما رو برای مدتی منتظر گذاشتم ، واقعا متاسفم."

لینگ مو آر با آرامش از فرق سر تا نوک پاهاش رو برانداز کرد. اولین برداشت مردم از مومو خیلی بیشتر از بازرسی چشمی بود چون او حدود 1.9 متر قد داشت ، با ظاهری محکم که میشد ازش برای جلوگیری از باد استفاده کرد !!

البته که این یک مزیت بود ، اما از نظر لینگ مو آر اون یک عکاس بود ، نه یک مدل ، پس چه لزومی داره اینقدر قد بلند باشه؟

به غیر از قد بلند بودنش ، میشه ویژگی های دیگه مومو را معمولی توصیف کرد ، مخصوصا که هیچ ویژگی برجسته و جذابی توی چهره اش وجود ندارد. احتمالا لینگ مو آر ظاهر خودش را وقتی که داشت از اتاق بیرون میومد فراموش کرده !!!

قبل از اینکه لینگ مو آر با بی میلی باهاش دست بده ، کی ل یواشکی از پشت سرش بهش ضربه زد. طرف مقابل نه تنها قد بلندی داشت بلکه کف دستهایش هم نسبت به ادم های دیگه بزرگ تر بود. تقریبا تمام دست لینگ مو آر میتوانست داخل کف دست آن شخص قرار بگیرد.

"آشنایی با شما باعث افتخار منه " یه جورایی لحن لینگ مو آر سرسری و ابهام بر انگیز بود. (یعنی از لحنش معلومه که صادقانه نمیگه)

کی ل مدت زیادی بود که به رفتارهاش عادت کرده بود ، برای اینکه بتواند حفظ ظاهر بکند با عجله بلند شد " استاد مو عکاسی هستند که مو آر برای مدت زیادی ایشون رو تحسین کرده. اون وقتی خبر همکاری با استاد مو رو شنید خیلی خوش حال شد. به خاطر همین اگه مدتی رو هم معطل شده باشه ، بازم ارزشش رو داره. "

لینگ مو آر وقتی که داشت فکر میکرد که " فقط خدا میدونه تو کی هستی " ، غیر دوستانه لبخند زد.

صبر کن. اینجوری که معلومه مدیر قبلا درباره اش صحبت کرده.... یه چیزایی در مورد برنده شدن یه جایزه ؟ تا وقتی که اشخاص یا چیز هایی برای مو آر مهم نباشن ، مهم هم نیست که اونها چقدر با اعتبار و شناخته شده باشن ، این جور مواقع حافظه اش همیشه اقتضاحه !

مومو اصلا بی ادبی لینگ مو آر رو به دل نگرفت و کاملاً صداقانه گفت : " لینگ مو آر. این اسم هنری تاثیر عمیق و زیادی رو روی مردم میذاره ، و بعد از شنیدنش فراموشش نمی کنن. "

" این اسم واقعی منه نه اسم هنریم. " لینگ مو آر به سرعت جمله اش رو اصلاح کرد.

" واقعا اسم بی نظری هست. کسی که به شما این اسم رو داده بی شک شخصی اصیل و منحصر به فرده. "

بالاخره رفتار لینگ مو آر کمی ملایم تر شد ، چون در واقع کسی که بهش این اسم رو داده بود خودش بود !

"به هر حال ، میتونیم شروع کنیم؟ "

"البته." مومو دوربینش رو از دستیار گرفت." امیدوارم یه همکاری خوب و دلپذیری داشته باشیم. "

لینگ مو آر با مجموعه ای از عکس های بسیار زیبا با لباس های زنانه ای که توی دنیای مد بسیار مورد پسند بودن شروع به کار کرد. جنسیت واقعی اون بعد ها به خاطر پرس و جوی افراد این صنعت که میخواستند اطلاعاتی از این زیبایی بدست بیارن ، توسط آژانسش فاش شد.

توی این صنعت ، بین همه کسانی که تحسینش می کردند و کسانی که از زیباییش حیرت زده شده بودند ، اسمش به عنوان ((مردی زیباتر از زنان)) ماندگار شد.

از نظر عموم ، ظاهر زیبای نوزده ساله اش مخلوطی از نژاد چینی و تایلندی بود. هرچند ، هویت واقعی او یک گربه سیامی متولد شده توی تایلند بود ، گربه ای که صدها سال زندگی کرده. اون یکی از چند هیولایی بود که با تغییر ظاهرش به فرم انسانی ، از توانایی ها و ویژگی های اونها برای زندگی کردن استفاده می کرد.

تنها ویژگی قابل توجه لینگ مو آر ، زیباییش بود ، به خاطر همین ، اون برای قدم گذاشتن توی مسیر زندگیش ، از زیباییش استفاده کرد. فکر نمی کرد که این خجالت اور باشه ، بالاخره زیبایی هم یه جور استعداد بود !

گربه های سیامی به خاطر فرم صورت V شکل که بعد از تبدیل شدن به انسان ، بیشتر هم مشخص میشه ، توی دنیای گربه ها مشهورن. اون صورت بیضی - وی شکل کوچیکی داره که همه دخترها توی حسرت اونن و مورد پسند همه عکاساس.

کسانی که فک میکنند تقریبا همه عکسای اون فتوشاپ میشن ، تا زمانی که اونو از نزدیک نبینن قانع نمیشن! و بعدش سریعا مشکوک به حراجی زیبایی میشن.

لینگ مو آر همه اون ها رو مسخره میکرد ، چطور ممکنه که انسان ها امیدوارن که زیباییشون قابل مقایسه با گربه ها باشه ؟؟

ماه گذشته ، لینگ مو آر با شرکت عطرسازی یه قرار داد تبلیغاتی امضا کرده بود ، ولی به خاطر مشکلات برنامه ریزی بین 2 طرف ، مدل و عکاس برای ملاقات هم دیگه مجبور بودن تا امروز صبر کنن.

نکته اصلی فروش این عطر ، این بود که هم مردا و هم زنا میتونستن ازش استفاده کنن ، به خاطر همین لینگ مو آر که به زیبایی 2جنسیتیش معروف بود ، طبیعتاً اولین انتخاب تولید کننده بود.به خاطر همین آرایشگر ، سبک آرایشی رو انتخاب کرد که مرز بین مرد و زن رو مخفی میکرد و به راحتی نمیشد جنسیت واقعی اون رو تشخیص داد ، و باعث شد خلق و خوی منحصر به فرد لینگ مو آر بیشتر به چشم بیاد.

وقتی که لینگ مو آر زیبا و سکسی در مرکز توجهات قرار گرفت ، همه افراد حاضر در صحنه صرف نظر از مرد و زن ، احساس کردن که قلبشون میتپه.

این نوع زیبایی تقریباً غیرانسانی بود و بیشتر شبیه نوعی روح شیطانی در افسانه ها بود که اگر فقط به مدت سه ثانیه به چشمانش خیره شوید ، روح شما را می دزدد و جذب می کند.

مو مو دوربینش را بلند کرد و به سرعت چند تا عکس گرفت تا هم روشنایی رو بررسی کنه و هم کمک کنه که سریعاً وارد کار بشه.لینگ مو آر متفاوت از رفتار مغرورانه و متکبر چند لحظه قبل خود ، با نشان دادن چند ژست مختلف و جذاب و وسوسه انگیز ، با لنز دوربین مو مو همکاری کرد.

کی لِ با نگاه کردن به اجرای حرفه ای لینگ مو آر در مقابل دوربین ، احساس خوش حالی کرد.حتی اگر اون به خاطر ذات خودش باعث رنجش و ناراحتی خیلی از افراد شده ، اما عملکرد او در شغل خودش همیشه باعث شده که بیشتر عکاسای سخت گیر هم راضی باشن.

حتی اگر افرادی هم بودند که از نحوه رفتار معمول و همیشگی او با مردم راضی نبودند ، بعد از دیدن عکس نهایی اون ، اونها به ناچار تحت تأثیر شرایط و خوی ظاهری اون قرار می گرفتند.

به طور طبیعی در 2 شغلی که مکمل هم ان ، اگه یک عکاس با مدلی روبرو شه که بتونه تمام نقاط قوت اونها رو کاملاً به نمایش بذاره ، اونها زیاد به شخصیت بد مدل توجه نمیکنن.

این یکی از نکاتی هست که کی ل ، دستیار لینگ مو آر ، بیشتر از هر چیزی بهش افتخار میکنه. درمورد شخصیت بد لینگ مو آر ، اگه کسی میدانست که اون یه گربه اس ، دیگه فک نمیکردن که این یه عیب باشه. بالاخره چه کسی به خاطر مغرور بودن گربه ها ، اونا رو مسخره میکنه؟؟

علاوه بر این ، لینگ مو آر به گربه معمولی نبود. اون خون سلطتی رو داره ، به خاطر همین اگه متکبر و مغرور نباشه ، حتی آسمان ها و بهشت هم نمیتونن تحمل کنن.

(لینگ مو آر یه بار به کی ل گفته بود اون گربه ای هس که در دوران باستانی توسط یکی از خاندان سلطنتی تایلند بزرگ شده ، و یه زمانی توی بزرگ ترین معبد بودایی بانگوک زنده می کرده. هر روز دائما تحت تاثیر دود و بخور و دعا بود، تا اینکه بالاخره متوجه شد که میتونه به انسان تبدیل بشه. البته صحت داستان باید بیشتر بررسی بشه.)

از نظر کی ل ، لینگ مو آر یه شخص/گربه ی کامل و بی نقص بود. اون فک نمیکنه کسی باشه که ازش (از مو آر) در مقابل دوربین ناراضی باشه.

هرچند این رکورد امروز شکسته شد (رکورد اینکه کسی نیست که جلوی دوربین ازش ناراضی باشه). وقتی که گرم کردن به پایان رسید و کار اصلی شروع شد ، مو مو بار ها دوربینش رو پایین آورد و با ناراضایتی سرش رو تکون داد.

کارگردان غرق در زیبایی لینگ مو آر بود و وقتی واکنش مو مو رو دید فک کرد مشکل از دوربینه.

" استاد مو ، مشکلی هست؟ "

مو مو رک گفت : " ممکنه به خاطر این باشه که مدل هنوز نتونسته متمرکز بشه ، یا شاید به خاطر اینکه چون قبلا مدت زیادی منتظر مونده دیگه شور و ذوقی نداره. به هر حال ، احتمالا تقصیره منه. "

کارگردان حیرت زده شد : " واقعا؟ من فک میکنم عملکرد مو آر خیلی خوبه. "

این دقیقا همون چیزی بود که کی ل میخواست بگه. درسته مو آر از اینکه مو مو دیر کرده بود ناراحت بود ، ولی قول داده بود که عملکردش مثل دفعه های قبلی باشه. در واقع این اولین بار بود که کسی عملکرد حرفه ای لینگ مو آر رو زیر سوال میبرد.

اون مخفیانه نگاهی انداخت تا واکنش فرد مورد نظر رو ببینه ، و همونطور که انتظار می رفت ، ابروهای جذاب و ظریف لینگ مو آر گره خورده بود و نشان دهنده ناراضایتیش بود.

" در این صورت ، ممکنه که استاد مو بگه عملکرد من کجا خوب نیست و 1-2 تا راهنمایی بهم بده؟ "

